

اسرائیل

سرزمین کرانه شرقی دریای مدیترانه که سه مذهب بزرگ را بجهان بخشیده است و تمدن، اخلاق، قوانین و فرهنگ آن روزگاری بر تحولات و ترقیات مغرب زمین تأثیری قاطع داشته بار دیگر مطمع نظر و جالب توجه جهانیان گردیده است. بر قلمرو فلسطین قدیم، امروز دولت و حکومت نوری اسرائیل در حال رشد است که در آن بر اثر هجوم لاینقطع مهاجران تمایلی شدید به ساختن و پرداختن مشهود است و این چیزی است که پیشرفت‌های فرهنگی و تمدنی را بدنبال خود دارد. این تمایل به ساختن و بنا کردن در همه جا محسوس است: در تحول تأثیر، تأسیس فرستنده‌های رادیو، شعروادب جدید عبری، تحقیقات و تبعات علمی، آفرینش آثار موسیقی و همچنین در تمام شعب خلق و ایجاد آنا هنری.

هر گاه در این ایام فهرست کاملی از نام‌های آهنگسازان اسرائیلی بطور منظم در برنامه فستیوالها، فرستنده‌های رادیویی و کنسرتها در اروپا و آمریکا بچشم می‌خورد بدان دلیل نیست که ما در روزگاری «کنجکاو» بسرمی‌بریم که با توسل به نت موسیقی، رادیو، تلویزیون، صفحه و فیلم می‌تواند درباره اقصی نقاط جهان تحقیق و مطالعه کند. ممالک شرق نزدیک و قبل از همه فلسطین بعنوان پل فرهنگی و معنوی بین مشرق و مغرب از دیرباز ذهن مردم باختر زمین را با جاذبه‌ای که جنبه عرفانی دارد بخود مشغول داشته است؛ اسرائیل، امروز در جریان تجدد موسیقی مغرب زمین با استعانت از روح

و فکر مشرق عتیق همان سهم را بعهده دارد که اورشلیم مذکور در توراة رسالت انجام دادن آنرا داشته است : یعنی وظیفه برقراری مواصلات بین مشرق و مغرب.

هر موسیقی دانی در کشور اسرائیل تحت تاثیر بسیاری از موثرات فرهنگی، فکری و موسیقی قرار می گیرد؛ حقایق تاریخی هم بر این مزید می گردد : هر وجه از خاک این سامان و همچنین بسیاری از حوادث و اتفاقات روزگار ما فوراً هر کس را بیاد داستان ها و حکایاتی می اندازد که در کتب عهد عتیق آمده است. در این جا که از طرفی در تلاش هستند تا به عادات و آداب و رسوم اصیل مردم دست یابند یعنی به تحقیق در احوال فرقه هائی که سخت به سنن و آداب عهد عتیق پای بندند می پردازند، در عین حال از سوی دیگر می کوشند آثاری را که از سوء تعبیر و تفسیر فولکلور یهودی از طرف اروپائیان ناشی شده است بزدایند. تجدید حیات زبان عبری که زبانی صد در صد شرقی است و دارای فنون بلاغت مخصوص بخود است نیز در این مورد قابل ذکر است. گوش و حس موسیقیدانان همواره اسیر تجارب موسیقی شرقی و سازهای شرقی، تکنیک و آریاسیون و بسط که همه مشرق زمین از دریای مدیترانه گرفته تا شرق اقصی بدان مانوس هستند می باشد. تمام این عوامل در بهترین آهنگسازان اسرائیل به یک نتیجه مفید و مشترک می رسند که برای بعضی از موسیقیدانان جهان که در جستجوی چیزی تازه هستند حائز اهمیت می تواند باشد.

فلسطین در عصر جدید در دهه هفتم قرن گذشته مسکن و ملجاء مهاجران شد. تاریخ آغاز موسیقی رسمی و منتظم را در آن دیار باید مقارن با تاسیس مدرسه موسیقی تل آویو در ۱۹۱۰ دانست. پس از پایان دهه سوم قرن حاضر ما به آهنگسازان مستقلی بر می خوریم که در خور اهمیت هستند. در این باره قبل از همه مصنفین آهنگهای آواز دسته جمعی قابل ذکرند زیرا موسیقی «کر» از ضروریات زندگی دهقانی دسته جمعی بشمار می رود. هنگامی که در ۱۹۳۶ «ارکستر فلسطین» (امروزه ارکستر فیلارمونیک اسرائیل) و «راديو اورشلیم» تاسیس شد و با این عمل کار موسیقی برشالوده جدیدی استوار شد، اسباب توسعه و پیشرفت و اجرای بهتری در اختیار آهنگسازان قرار گرفت. بوجود آمدن حکومت مستقل (۱۹۴۸) خود باعث پدید آمدن تشکیلات و طرحها بر مبنائی مستقل گردید و باز بنوبه خود باعث بوجود آمدن ترقیات تازه ای شد. امروز با وجود ارکستر فیلارمونیک، ارکستر راديو، ارکستر مجلسی رامت گان (Ramet Gan)، ارکستر سنفونیک حیفا، ارکستر جوانان، انجمن های موسیقی مجلسی و سولیت های خوب برای آهنگسازان اسرائیل به بهترین وجه میسر است که آثار خود را بوقوع اجرا بگذارند، آثار این آهنگسازان در اسرائیل به طبع می رسد و در اختیار جهانیان قرار می گیرد. صفحات آثار آهنگسازان اسرائیل در اروپا و آمریکا نواخته می شود. سولیت های نام آوری مانند یهودی منوهین، زینو فرانچسکاتی و یاشا هافنست آهنگهای اسرائیلی را اجرا می کنند؛ رهبران ارکستری همچون میتروپولس (Mitropoulos)، شتاينبرگ، کوبلیک (Kubelik)، برنشتاین، رزبو (Rosbaud)، بور (Bour)، سولومون

آهنگهای مصنفین اسرائیلی را رهبری می کنند؛ آثار برجسته ای نیز از این مصنفین توسط ارکستر رادیو فرانسه، ارکستر تون هال زوریخ، ارکستر سنفونیک وین، ارکستر-فیلارمونیک برلین، ارکستر فیلارمونیک نیویورک، ارکستر رادیو استرالیا بموقع اجرا گذاشته شده است.

از سال ۱۹۳۰ به بعد مکاتب مختلف آهنگسازی در اسرائیل مشاهده می شود که تنوع آنها را میتوان به تعداد کشورهای مهاجرین از آنجا به فلسطین آمده اند دانست. تمایلات فولکلوری پیش از همه در آثار اغلب آهنگسازانی دیده می شود که از اروپای شرقی مهاجرت کرده اند اما این جنبه در آثار آهنگسازان کم کم جای به مایه ها و عناصر شرقی داده است. ژوزف کامینسکی (J. Kaminski)، یوآخیم ستوجوسکی- (J. Stutschewsky)، الکساندر اوربا بوسکوویچ (A. Uria Boscovich)، اوردین

پارتوس - (Oedoen)

Partos) از این شماره

تمایلات نوآوری و تازه

جوئی خاص اروپای مرکزی

در دهه دوم و سوم قرن

حاضر بیشتر در آثار آهنگ-

سازانی منعکس است که در

آن او ان به فلسطین مهاجرت

کرده اند و از آن قبیل هستند:

اریش والتر شترن برک

(Erich Walter

Sternberg) -

بن حیم (Paul Ben-Haim)

ژوزف تال (J. Tal)، هانوخ

یاکوبی (Hanoch Jacoby)

اما کم و بندر بیچد گرگونی

بچشم می حورد. آهنگسازان

باسنن موسیقی شرقی آشنا

می شوند. آنها ملودیاها

و سازهای را می شنوند که

قدمت آنها با عصار باستانی

می رسد (بیشتر از وقتی که به



« پل بن حیم »

تعداد مهاجرین مالک شمال افریقایی و شرق نزدیک افزوده شد) ورقص های دلپسند عامیانه و ملی قدیمی را بچشم می بینند. شاگردان و دوستان جوانتر این آهنگسازان خود از اهالی این سرزمین ها هستند و استادان خود را با جهانی جدید آشنا می کنند. تحقیق در باره آنچه از

نیاکان بهیرات رسیده است نتایج حیرت‌انگیزی بیار می‌آورد. از يك طرف مبانی فنی آهنگسازی عمومی عرضه کردن ملودی معمول در شرق قدیم و «ردیف‌ها» و از طرف دیگر «آهنگسازی در ردیف‌ها» که دارای اصل و مبدائی اروپائی هستند مورد توجه قرار می‌گیرد.



رئیس هیأت مدیره انجمن علمی
«شتر نیرم»

پاول بن حیم (متولد در ۱۸۹۷) نخستین کسی است که توانست حالت و محیط مخصوص موسیقی سر زمین واقع در مشرق ساحل مدیترانه را بدون این که موسیقی فولکلوری بنویسد در آثار خود بخوبی مجسم سازد؛ در هر دو سنفونی او، کنسرتوی پیانوی او (با بکار بردن و بولاد آموردر قسمت آهسته آن) در «خوانندگان محبوب اسرائیل» (برای کلاوسن، چنگک و ارکستر) او، در سونات او برای ویلن تنها بخوبی این «موسیقی مدیترانه شرقی» اصیل جلوه‌گر است. الکساندر اوریبا بوسکوویچ مذکور

در فوق در آغاز با تکیه بر موسیقی فولکلوری کار خود را آغاز کرد؛ در اثر خود بنام «سویت سامی» توانست از پیانو کاملاً رنگهای جدیدی بدست بیاورد، همچنین از ارکستر که بعدها این سویت را خود منصف برای آن تنظیم کرد. در آثار ژرف تال و اودون پارتوس نغمه‌های شرقی و اصول شرقی فرم موسیقی به نوعی جدید از موسیقی منجر گردیده است. تال همان طور که از سنفونی اول او برمی‌آید تحت تأثیر بالت است. تصوراتی که تال از اصوات دارد ناگزیر او را بطرف موسیقی الکترونیک سوق می‌دهد (اتود اول او بنام اکسودوس دوم «Exodus II») که در مورد او مانند کانتات سنفونیک او بنام «مادر هلپله می‌کند»، همچون کنسرتوی شماره ۳ پیانوی جالب توجه او (باقسمتهائی برای آواز سلو یا صدای تنور) کاملاً جنبه دراماتیک پیدا می‌کند. پارتوس در هر دو کنسرتوی خود برای ویولون آلتو، کنسرتوی ویلن و «بالاد شرقی» خود (برای ویولون آلتو

و پیانو) سر مشق بسیار خوبی برای ترکیب منطقی عناصر موسیقی شرقی و غربی بدست داده است. منجم آویدوم (Menahem Avidom) باروش و لحنی سبک تسمیر محیط روستای اسرائیل و روحیات اسرائیلی را بنحوی موفقیت آمیز مجسم کرد اما در کنار آثاری که جنبه سبک و ملایم سنفیک دارند مانند «سنفونیت مدیترانه ای» و «سنفونی مردم پسند» یک سنفونی جدی و شاعرانه ای بنام «سرود ایلات» (Das Lied von Eilat) برای صدای باس و ارکستر تصنیف کرد. مارک لاوری (Marc Laury) که آهنگساز جامع الاطرافی است در کارهای خود به فولکلور عنایت دارد. در آثار م. ستر (M. Setter) ترکیب و تلفیق سنت و تجربه جنبه ای کهنه و قدیمی بخود می گیرند.

در آثار آهنگسازان جوان تر موازنه و تنوع سوازی بین «تکنیک ردیف» شرقی و غربی بیشتر آشکارست هر چند که ممکن است این با به پا آمدن عناصر شرقی و غربی در همه موارد موفقیت آمیز نباشد. در بین موسیقدانان جوانی که طالب کشف راههای تازه ای هستند - با تمایلات مختلف و جهات مختلف - باید قبل از همه از «هربرت برون» Herbert Brün (بایک کنسرتینو برای ارکستر، دو کوآرتت زهی، یک سنات پیانو، سناتین هائی برای سازهای سلوی مختلف) رمان ها و بین شتوک رماتی - Roman Haubenstock-Romati («کلمات تبرک» برای آواز بدون سخن و نه ساز، رستیانوو آریا برای کلاوسن و ارکستر)، ایشاک زیدی Jizchak Sidi («سنفونی ریسرکار» آثاری برای پیانو و کلاوسن، کانتات ها) ویشوعا لاکنر (سونات فلوت، توکاتا برای ارکستر) نام برد. اما در کنار این گروه باز عده ای از آهنگسازان جوان هستند کمتری جلوه گری کرده اند و در آن آثار که با آثار بدون این که اختلاط مخالف و معارض سبک در آثارشان باشد با هر دو دنیای شرق و غرب پیوند یافته اند. حبیب تومای عرب (Habib Touma) که اولین اثر منتشر شده او بنام «راپسودی شرقی» برای دو فلوت و طبل عربی با زحکایت از ترکیب و تلفیق تازه ای می کند (که در آینه می توان در آن باب حکم کرد) از جمله آهنگسازانی است که کاملاً شرقی است.

ترکیبی که در موسیقی جوان اسرائیل بدیده آمده و بموازات تحولاتی که در موسیقی ترکیه، یونان، ژاپن حادث می شود پیش می رود از نظر موسیقی دانان دنیای بزرگ را به این کشور کوچک شرق نزدیک ناراحت و بی آرام و قرار معطوف داشته است. موسیقی دانان اسرائیل با تصنیف بهترین آثار خود مدتی است که در راه رسیدن بساین نتیجه و ترکیب قطعی گام برداشته اند؛ از این گذشته باید گفت که خیلی از مصنفین در آثار خود به تجربیات خود و توصیف طبیعت پرداخته اند و این کار به آثار آنها کاملاً جنبه شخصی و فردی بخشیده است. در اینجا نیز ابتدا و آغاز چیزی نمودار است که تاریخ ممکن است از آن بعنوان موسیقی اسرائیلی بمعنی اخس یاد کند.

ترجمه کیکاوس جهاننداری